

مقدمه

سپاس و ستایش بی حد و حصر ذات پاک معبودی را سزااست که آدم را به لطف و کرامت خود از همه ی کائنات ممتاز گردانید. با استعانت از حق در نظر داریم، در سلسله مباحث حاضر به بررسی موضع گیری مردم در مقابل دعوت انبیا و پیامدهای آن از دیدگاه قرآن کریم در دوره های متفاوت پردازیم. اندک تأمل در متون اسلامی، آیات، احادیث و تفسیرها نشان می دهد، در تمامی دوران ها و روزگاران، مردم در مقابل انبیای الهی موضع گیری های متفاوتی داشته اند و در طول تاریخ، ارتباطی بسیار محکم و قوی بین بعثت انبیا و عوامل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فکری، عقلانی و سیاسی مردم، وجود داشته است. حتی در زمان پس از پایان نزول وحی نیز می توان، این ارتباط را به طور عمیق تر و ظریف تر، در مراحل گوناگون زندگی مردم مشاهده کرد. موضع گیری های مردم در قبال انبیا گاهی بُعد جذابیت و مثبت داشته که در این صورت، به فلاح و رستگاری مردم آن دوران انجامیده است و گاهی بُعد منفی داشته که به مبارزه ی فرهنگی یا فیزیکی و حتی جنگ مسلحانه منجر شده است. و البته در نهایت نیز فلاکت و نابودی مخالفان و دشمنان را در پی داشته است. در این راستا در ادامه به سیره و موضع گیری مردم در مقابل دعوت حضرت ایوب از دیدگاه قرآن می پردازیم.

حضرت ایوب

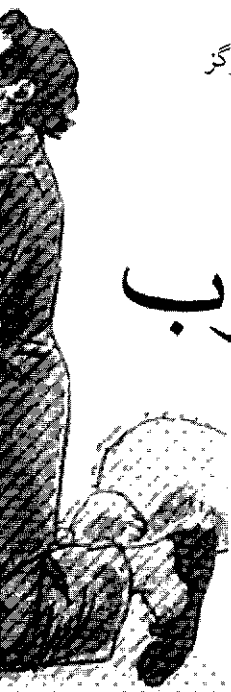
ایوب کلمه ای عبری به معنای رجوع کننده به نداشت. نام پدر حضرت ایوب آمومی و نام مادرش یامیر [سفر تکوین، ب ۴۶، ص ۲۱] بود. او ۳۶۴۲ سال بعد از هبوط آدم متولد شد و ۱۴۰ سال [قصص الانبیاء، راوندی، ص ۱۴۲ و بحار، ج ۱۲، ص ۳۵۲] عمر کرد. ایوب برای هدایت مردم شام مبعوث شد [مروج الذهب، ج ۱، ص ۶۰، و راه و روش انبیاء، ص ۲۱۱ و ۲۱۲] و در بلاد حوران مدفون است [قصص الانبیاء، نجار، ص ۳۴۸؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۲۸؛ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۲۵؛ تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۳]. در مورد نسب ایوب که آیا از نژاد ابراهیم (ع) و از فرزندان عیص است، اختلاف نظر وجود دارد. اما به طور کلی می توان گفت، نسب آن حضرت بدین طریق به حضرت ابراهیم می رسد: ایوب بن موصل بن رزاج بن رعوایل بن عیص بن اسحاق بن ابراهیم (ع). ایوب هفت پسر و سه دختر داشت [پیشین].

سیره ایوب در قرآن

۱. ایوب مظهر بردباری و نمونه ی بارز شکیبایی و صبر و رحمت خدا، و با عظوفت بود.
۲. ایوب رنج های فراوان دید و دچار بیماری شد. نزدیکانش از او فاصله گرفتند و او تنها ماند و هرگز ناله نکرد. جز به خدا و به احدی متوسل نشد. بدون اذن خدا چیزی از او نخواست^۱.

موضع گیری مردم در مقابل دعوت حضرت ایوب از دیدگاه قرآن

سیدعلاءالدین اعلائی



۳. ایوب در مقابل سخن همسرش سوگند خورد که او را صد تازیانه بزند، اما بعد که دانست اشتباه کرده است، به او وحی شد، برای نشکستن سوگندش، یک شاخه‌ی صدبرگی تهیه کند و یک بار همسرش را با آن بزند تا جنبه‌ی انتقام پیدا نکند.^۱

۴. اوصاف ممتاز ایوب براساس آیه‌ی «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» عبارتند از:

الف) صابر

ب) عبد صالح و مخلص

ج) اوّاب یعنی بسیار رجوع کننده و کسی که دائم توجه به سوی خدا دارد.

۵. از سلسله‌ی پیامبران ابراهیمی و از همه‌ی ویژگی‌های نبوت عامه برخوردار، و از وراثت خاصه‌ی امامت نیز بهره مند بود.^۲

۶. از حُسن هدایت الهی برخوردار شده است.^۳

۷. از پیامبران مشهور است که قرآن کریم از وحی یابی وی سخن گفته است: «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ: مَا بِهِ تَوْحِي فَرَسْتَادِيم، همان گونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی فرستادیم [سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۶۳].

۸. پیروان پیامبر اسلام (ص) موظفند، به هدایت انبیای سلف، از جمله ایوب، اقتدا و به سنت صالحه‌ی آن‌ها تأسی کنند؛ زیرا مقام شامخ ولایت، ایوب را از احساس مذلت و فقر غافل نکرد و به غیر خدا نیز اعتماد نکرد.^۴

عطار در مورد ایوب می‌گوید [منطق الطیر، ص ۱۲]:

مانده در کرمان و کرمان نیش ور

باز مر ایوب صابر را نگر



مولانا در مقام ایوب این گونه بیان می کند [مثنوی معنوی]:

که بد او ایوب از پا تا به فرق

پاک شد از رنج ها چون نور شرق

گفت حق ایوب را در مکرمت

من به هر مویت صبری دادمت

هفت سال ایوب با صبر و رضا

در بلا خوش بود با ضیف خدا

شکر کرد ایوب صابر هفت سال

از بلا چون دید آن ایام و حال

در ادامه، به بررسی موضع گیری مردم در برابر ایوب پیامبر، مخصوصاً مخالفان می پردازیم که کم و بیش بین مخالفان اکثر انبیا مشترک بوده است. مخالفان حضرت ایوب نه منطقی درستی داشتند و نه موضع درست و انسانی؛ و در مجموع گفتار و اعمالشان پوچ و بی محتوا بود و شکست خوردند. مواردی از این مخالفت ها عبارتند از:

۱. مخالفان، مانند بسیاری از مجرمان، برای تبرئه ی خود از بردگی هوی و هوس و مخالفت با حق و عدالت، موضع جبر را پیشه ی خود می سازند. به استناد آیات قرآن می گویند: «اگر خدا می خواست ما و پدران ما مشرک نمی شدیم و چیزی را حرام نمی کردیم» [سوره ی انعام، آیه ی ۱۴۸].

یا در جای دیگری می گویند: «اگر خدای مهربان می خواست، ما فرشتگان و بتان را نمی پرستیدیم. گفتار آن ها از روی علم و دانش نیست، بلکه به وهم و پندار باطل خود سخن می گویند» [سوره ی زخرف، آیه ی ۲۰].

یا در سوره ی نحل می گویند: «اگر خدا می خواست ما و پدرانمان چیزی جز خدای یکتا را نمی پرستیدیم» [سوره ی نحل، آیه ی ۳۵].

۲. مردمی، زندگی کردن نبی را بهانه می کنند و می گویند: انبیا، ثروت های انباشته شده ندارند، مانند مردم غذا می خورند، راه و رسم رؤسا و پادشاهان را ندارند و جبارانه عمل نمی کنند. چه شده است این پیامبر غذا می خورد و در بازار راه می رود. فرشته ای همراه او نیست تا مردم را انذار کند یا گنجی از آسمان بر او ارسال شود یا باغی داشته باشد و از آن بخورد» [سوره ی فرقان، آیه ی ۷]؛ با این که حضرت ایوب از زیادی ثروت مغرور نشد و از جاده ی عدل و انصاف خارج نگردید.



۳. از موضع برتری جویی، به تحقیر پیامبران و پیروان ارزشمند و ارزشجو و توحیدگرا پرداختند و شرط پذیرش حق و عدل را، عدم پذیرش ایمان توده‌های مردم قرار دادند. گفتند: «به تو ایمان آوریم، در حالی که افراد پست و بی‌ارزشی از تو پیروی می‌کنند؟» و شرط ایمان را پراکنده شدن توده‌های مردمی از پیرامون انبیا قرار دادند.

۴. زورگویان تاریخ، با تکیه بر زر و زور و تزویر، تهدیدهایی مانند: تبعید، زندان، سنگسار کردن، زنده زنده سوزاندن و... به علت این که انبیا منافع آن‌ها را به خطر می‌انداختند، تصفیه‌های خونینی را با بدترین صورت ممکن عملی می‌ساختند. مثلاً به حضرت نوح گفتند: «ای نوح! اگر از دعوت خود دست برداری، سنگباران خواهی شد» [سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۱۱۶]. به لوط گفتند: «اگر از دعوت ضد ظلم و فساد خودداری نکنی، اخراج خواهی شد» [سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۱۶۷]. و ایوب پیامبر را تک و تنها گذاشتند.

۵. ثروت و توانگری ایوب او را مغرور نکرد و از کمک به بینوایان دریغ نمی‌کرد. نیازمندان بر سر سفره‌ی او جمع بودند و اقوام خود را بی‌بهره نمی‌گذاشت. ثروت، شکوه و عظمت باعث شد، محسود دیگران شود و بر کینه‌ی بدخواهان افزوده شود.

۶. شیطان با ترفندهایی خواست ایوب را از یکتاپرستی و حق جویی باز دارد. خداوند برای این که به ابلیس ثابت کند، کلام او صحت ندارد و ایوب یکتاپرست است، نخست ثروت و دارایی او را گرفت و او فقیر و بی‌چیز شد، اما از خداپرستی و پرهیزکاری ایوب کاسته نشد. او همچنان شاکر و سپاس‌گزار و ثابت قدم بود. بار دیگر، شیطان لعین از خداوند خواست تا ایوب را آزمایش کند. این بار بیماری و تب ایوب را فرا گرفت و سر تا پای جسمش پر از دمل و دانه‌های چرکین شد، اما از اعتقاد و سپاس‌گزاری او چیزی کم نشد.

قرآن، حرکت و سیر جوامع، ملل و تمدن‌ها، و روند تاریخ را قانونمند معرفی می‌کند و پیشرفت یا نابودی ملت‌ها را تصادفی و بدون دلیل نمی‌داند. آیات متعددی در قرآن، سرگذشت عبرت‌آموزی پیامبران و امت‌های پیشین را شرح داده‌اند و علل ترقی و نابودی جوامع بشری و ضوابط مرتبط با آن‌ها را تبیین کرده، و اعلام داشته‌اند که سعادت و شقاوت امت‌ها، واقعیتی قانونمند است، به طوری که علل آن‌ها را باید در چگونگی بینش و عملکرد پیروان انبیا جست‌وجو کرد، نه در خارج از آن‌ها.

زیرنویس

۱. سوره‌ی ص، آیات ۴۳-۴۱: «وَ اذْکُرْ عِبْرَتَنَا اَیُّوبَ اِذْ نَادَى رَبَّهُ... و به خاطر بیاور بنده‌ی ما ایوب را، هنگامی که پروردگارش را خواند (و گفت: پروردگارا!) شیطان مرا به رنج و عذاب افکند، به او گفتیم پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه‌ی آبی خنک برای شست‌وشو و نوشیدن است و خانواده‌اش را به او بخشیدیم و همانند آن‌ها را بر آنان افزودیم تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان».
۲. سوره‌ی ص، آیه‌ی ۴۴: «وَ خذْ بَیْدَکَ ضَعْفًا فَاصْرَبْ بِهٖ وَ لَا تُحِثُّ... به او گفتیم، بسته‌ای از ساقه‌های گندم را بگیر و با آن همسرت را بزَن و سوگند خود را مشکن. ما او را بنده‌ای صابر یافتیم و چه نیکو بنده‌ای بود که دائم رجوع و توجعش به درگاه ما بود».
۳. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۸۴: «وَ هَبْنَا لَهٗ اسْحَقَ وَ یعقوبُ کَلَّا هَدَّیْنَا... و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و هر دو را هدایت کردیم و نوح را نیز پیش از آن هدایت نمودیم. و از فرزندان او، داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت کردیم. این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم».
۴. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۹۰: «اُولَئِکَ الَّذِیْنَ هَدٰی اللّٰهُ فَبِهٰدِیْهِمْ... آن‌ها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده است. پس به هدایت آنان اقتدا کن و بگو: در برابر این رسالت و تبلیغ پاداشی از شما نمی‌طلبیم».
۵. تفسیر ابن عربی، ذیل آیات ۸۳ و ۸۴ سوره‌ی انبیا، و آیه‌ی ۴۴، سوره‌ی ص: «و ما دعای ایوب را هنگامی که پروردگارش را خواند و عرضه داشت: «بدحالی و مشکلات به من روی آورده؛ و تو مهربان‌ترین مهربانانی!» مستجاب کردیم و ناراحتی‌هایی را که داشت، برطرف ساختیم. و همه‌ی خاندانش را به او بازگردانیدیم و همانندشان را بر آن‌ها افزودیم تا رحمتی از سوی ما و تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد».
۶. سوره‌ی شعراء، آیه‌ی ۱۱۱: «قَالُوا اَنْزَلْنٰ لَکَ وَ اَتٰکَ الْاَرْقُلُوْنَ.»

منابع

- ۱- عطار منطق‌الطیر ص ۱۲ به تصحیح محمدجواد مشکور
۲. مثنوی معنوی دفتر اول، سوم، پنجم، ششم به سعی و اهتمام نیکلسون